

پاسارگاد، شهر یا باغشهر هخامنشی؟

باز آفرینی الگوی قدیمی‌ترین باغ ایرانی

چکیده | پراکندگی آثار بر جای مانده در دشت پاسارگاد، شناسایی و درک این مجموعه را به‌عنوان اولین پایتخت هخامنشیان دشوار می‌کند. یافته‌های باستان‌شناسی عمدتاً بر اجزاء و بناها متمرکز بوده و ساختاری کلی ارائه نمی‌دهند.

تحقیق حاضر در گام نخست با بررسی اسناد تاریخی در کنار یافته‌های اخیر باستان‌شناسی سعی در اثبات وجود باغ به‌عنوان عامل پیونددهنده در محوطه پاسارگاد دارد. در گام دوم با تحلیل عناصر برجامانده مبتنی بر برخی سنت‌های منظره‌پردازی ایرانی همچون وجود محور اصلی و تقارن درصدد یافتن هندسه باغ و الگوی حاکم بر آن برآمده است.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد که کلیه بناهای دشت پاسارگاد در یک ساختار منظم فضایی احداث شده‌اند و باغی وسیع بر کلیه عناصر احاطه داشته است. «باغ شاهی» تنها بخش کوچکی از این مجموعه وسیع بوده و در واقع به نظر می‌رسد که نخستین مرکز حکومتی-آیینی هخامنشیان یک باغشهر با ساختاری منظم و یکپارچه بوده است.

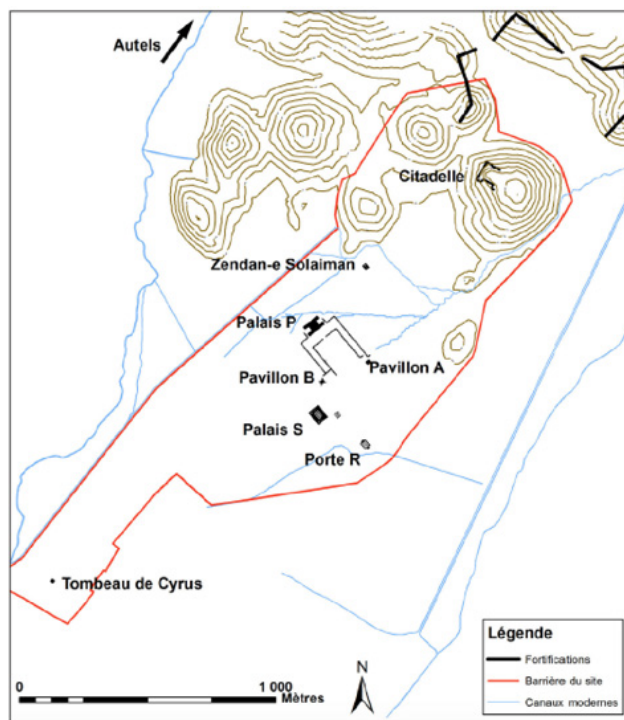
واژگان کلیدی | پاسارگاد، باغ شاهی، باغشهر، باغ ایرانی، دوره هخامنشی.

محمدرضا مهربانی‌گلزار
عضو هیئت علمی گروه معماری منظر، دانشگاه
بین‌المللی امام خمینی، قزوین
mehrabani777@yahoo.com

برای پاسخ به سوال فوق، دو فرضیه مطرح می‌شود: فرضیه نخست: باغ عامل پیوستگی اجزای پراکنده در دشت پاسارگاد است. بنابراین پاسارگاد به یک باغشهر شبیه‌تر است تا یک شهر متعارف.

فرضیه دوم: باغ مذکور دارای ساختار هندسی منظم با محورهای طولی و عرضی عمود برهم است که جانمایی بناها، مسیرها و کانال آب از این الگو تبعیت می‌کند.

پیش از ورود به بحث ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا اساساً این آثار پراکنده باید از یک نظم کلی پیروی کنند؟ در پاسخ باید گفت که الزاماً چنین نیست، اما اگر بتوان به نظامی منطقی بین بناها و باغ شاهی دست یافت این واقعیت نمی‌تواند اتفاقی و برحسب تصادف باشد. لذا یافتن ساختاری نظاممند نشان خواهد داد که طرح‌اندازی و احداث این مجموعه دارای یک الگوی کلی (مسترپلان) بوده است.



تصویر ۱: حریم پاسارگاد و آثار به‌جامانده. مأخذ: Baucharlat, 2014.

توصیف وضع موجود

جلگه پاسارگاد حدود ۲۰ کیلومتر درازا و ۱۵ کیلومتر پهنا دارد، در عهد باستانی پر درخت و سبز و خرم بوده و باغ‌های شاهی توسط جویبارها و آب‌ناهایی سنگی آبیاری می‌گردید. بنابر نظر مورخینی همچون گزنفون و استرابو کاخ‌ها و آرامگاه کوروش بزرگ در میان انبوه درختان این باغ بوده است. در جلو کاخ‌ها آب‌ناهایی سنگی و بسیار ظریف و زیبایی با حوضچه‌های سنگی احداث نموده بودند که تعدادی از آن‌ها در خلال کاوش‌های باستان‌شناسی یافت شده است (مهربانی، ۱۳۹۱: ۶).

تعداد این کاخ‌ها آنچه تاکنون آثارشان از زیر خاک بیرون آمده، چهار کاخ (۲ کاخ و ۲ غرفه) است که یکی کاخ اختصاصی و دیگری کاخ بار و پذیرایی نامیده شده است. در منتهی‌الیه شمالی جلگه، حصار عظیم سنگی‌ای مشابه دیوار غربی صفه تخت جمشید دیده می‌شود، که پایه‌های کاخ و تخت بزرگی را تشکیل می‌دهد، این صفه بر تمام جلگه مسلط و چشم‌انداز وسیع و جالبی دارد (سامی، ۱۳۵۰: ۸). در زمین‌های غربی و جنوب‌غربی تپه‌های کوچکی مربوط به هزاره‌های پیش از میلاد موجود است که از درون آن‌ها اشیاء ماقبل تاریخ بیرون آمده است و می‌نمایند که هزاران سال پیش از آنکه پایتخت دوران هخامنشی گردد، بواسطه آب فراوان و زمین‌های پرباری که داشته، مسکن طوائف و قبایلی بوده و مردمانی در آن‌ها

مقدمه | محوطه پاسارگاد که دربردارنده نخستین آثار تمدن هخامنشی است با ابهامات متعددی در کلیت مجموعه مواجه است. سه عامل اصلی شامل: وسعت محوطه، پراکندگی آثار به‌جامانده و تخریب بیش از حد آثار، شناسایی ساختار مجموعه را دشوار می‌کند. تحقیقات ۱۵۰ سال اخیر بر روی پاسارگاد، غالباً متمرکز بر تک بناها و شناسایی اجزا بوده است. به همین دلیل اکنون قطعاتی از یک پازل بزرگ در دست است اما نحوه ارتباط این قطعات چندان روشن نیست. آیا پاسارگاد یک مجموعه منسجم و یکپارچه بوده است؟ با توجه به پایتخت بودن پاسارگاد، حدفاصل آثار پراکنده کنونی چه چیزی وجود داشته؟ چگونه ساختاری، بناها و اجزای موجود را به هم پیوند می‌دهد؟

چنانچه پاسارگاد را یک شهر تصور کنیم، آن‌گاه انتظار می‌رود که حدفاصل آثار موجود، بناهای کالبدی دیگری نیز وجود داشته‌باشد که به دلایلی همچون عدم استحکام لازم یا جنس متفاوت مصالح سریع‌تر تخریب شده و از بین رفته‌اند.

توصیفات تاریخی از پاسارگاد و همچنین اسناد باستان‌شناسی ادعای فوق را تأیید نمی‌کند. پس چگونه می‌توان قطعات این پازل را کنار هم قرار داد و به یک مجموعه یکپارچه دست یافت؟

می‌زیسته‌اند (شهبازی، ۱۳۷۹: ۱۹۰).

اجزای کنونی محوطه پاسارگاد شامل تل تخت (تخت سلیمان)، کاخ اختصاصی P، کاخ بارعام S، مقبره کوروش، مقبره منتسب به کمبوجیه (زندان سلیمان)، آثار یک پل، کانال آب، دروازه R، غرفه‌های A و B، باغ شاهی و جوی‌های سنگی، محوطه قربان‌گاه و بقایای یک حصار است (Bauchar et al, 2014) (تصویر ۱).

چرا باید به دنبال یک باغ منظم محاط بر آثار معماری باشیم؟

از یک سو روایت‌های تاریخی حاکی از آن است که باغ‌های انبوهی در پاسارگاد وجود داشته و محدود به باغ شاهی (۵ درصد کل مجموعه) نمی‌شده است. از سوی دیگر تحقیقات متأخر باستان‌شناسی نشان می‌دهد که در پاسارگاد با یک باغ اختصاصی (باغ شاهی) در درون مجموعه مواجه نیستیم بلکه برعکس، این سایت هخامنشی، یک مجموعه سکونتگاهی، حکومتی-آیینی وسیع است که توسط باغ‌هایی احاطه شده است. هرچند اطلاق عنوان «باغشهر» برای چنین مجموعه‌ای دشوار می‌نماید اما این ترکیب‌بندی، نزدیک‌ترین الگو به باغشهرهایی است که امروزه می‌شناسیم.

- اسناد تاریخی که به باغی وسیع در پاسارگاد اشاره دارند: مهم‌ترین منابع تاریخی که به دوره هخامنشیان و زمان احداث پاسارگاد نزدیک بوده است، متونی است که توسط «گزنفون»^۱ و «استرابو»^۲ نگاشته شده و می‌تواند مبنای اطلاعات ما از آن دوران باشد. استرابو برخی مطالب خود را از «آریستوبولوس»^۳ (مورخ همراه اسکندر مقدونی) نقل می‌کند و گزنفون نیز که در دربار هخامنشی صاحب‌منصب بوده و از نزدیک وقایع را روایت کرده است. بخشی از توصیفات که در کتب تاریخی از پاسارگاد وجود دارد چنین است:

- «علی سامی» در کتاب خود داستانی از «لیزاندر» سردار اسپارتی و کوروش صغیر برادر اردشیر دوم فرمانفرمای آسیای صغیر نقل می‌کند: سردار نامبرده، کوروش صغیر را در باغ بزرگ زیبایی که درختان آن منظم و یک‌اندازه بوده ملاقات کرد و به وی گفت: «من در حیرتم از زیبایی باغ، ولی بیشتر از کسی که طراحی این باغ را نموده و این درخت‌ها را موزون کاشته، کوروش گفت تمام این کارها را خودم کردم» (سامی،

۱۳۴۱: ۱۹۲).

- آریستوبولوس، درباره شرح آرامگاه کوروش چنین می‌نویسد: «آرامگاه مؤسس سلسله شاهان پارس در وسط یکی از باغ‌های شاهی واقع است که در آن آب جاری است. درختان زیاد، سبزه و چمن آن را احاطه کرده است، این مقبره به شکل برج مربع کم‌ارتفاعی است که درختان کهن بر آن سایه انداخته‌اند» (سرفراز، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

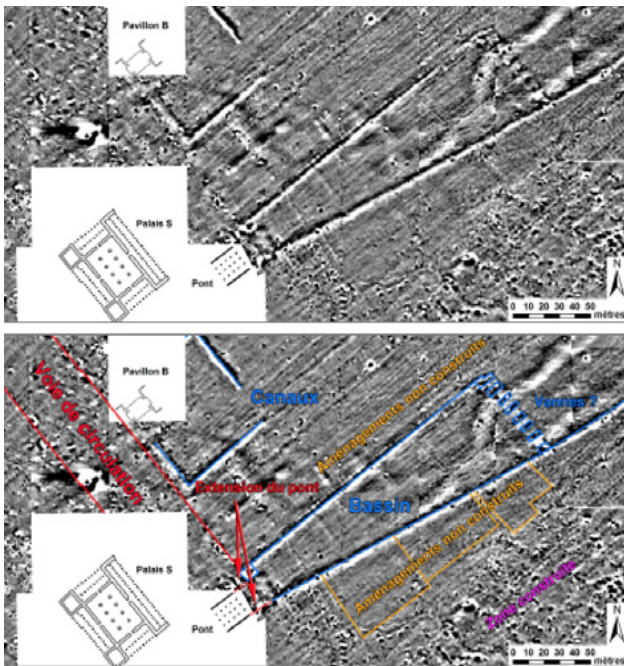
- نویسندگان کلاسیک بر وفور درختان غرس شده در داخل فضای مقبره تأکید کرده‌اند. آریستوبولوس، که آریانوس از او نقل قول کرده است (کتاب ۶، فصل ۲۹، بند ۴) تصریح می‌کند که مقبره «در پردیس سلطنتی» قرار داشت و «بیش‌از مقدسی که تمامی آن آبیاری می‌شد و شامل انواع درختان و چمن‌زاری پرپشت بود آن را احاطه کرده بود» (مهربانی، ۱۳۹۱: ۶).

- «استرابو» نیز در بخش اول روایت خود از «آریستوبولوس» پیروی کرده است: «... و در آنجا او (اسکندر) آرامگاه کوروش را در یک پردیس (باغ سلطنتی) دید، برجی نه چندان بزرگ، پنهان در انبوه درختان، بخش‌های پایینی آن برجسته و بخش بالایی آن زیارتگاهی مسقف با ورودی بسیار باریک است». در اینجا آریستوبولوس می‌گوید که وارد آرامگاه شده است. «... و او دید که در آنجا یک تخت زرین و میزی با ساغر‌ها و تابوتی زرین...» «استرابو» ادامه می‌دهد که «آریستوبولوس» کتیبه آرامگاه را از روی حافظه چنین گزارش می‌کند: «ای مرد من کوروش هستم، کسی که شاهنشاهی پارسیان را به وجود آورد و پادشاه آسیا بود، در این زمان بر من رشک مبر» (استرونخ، ۱۳۷۹: ۴۵).

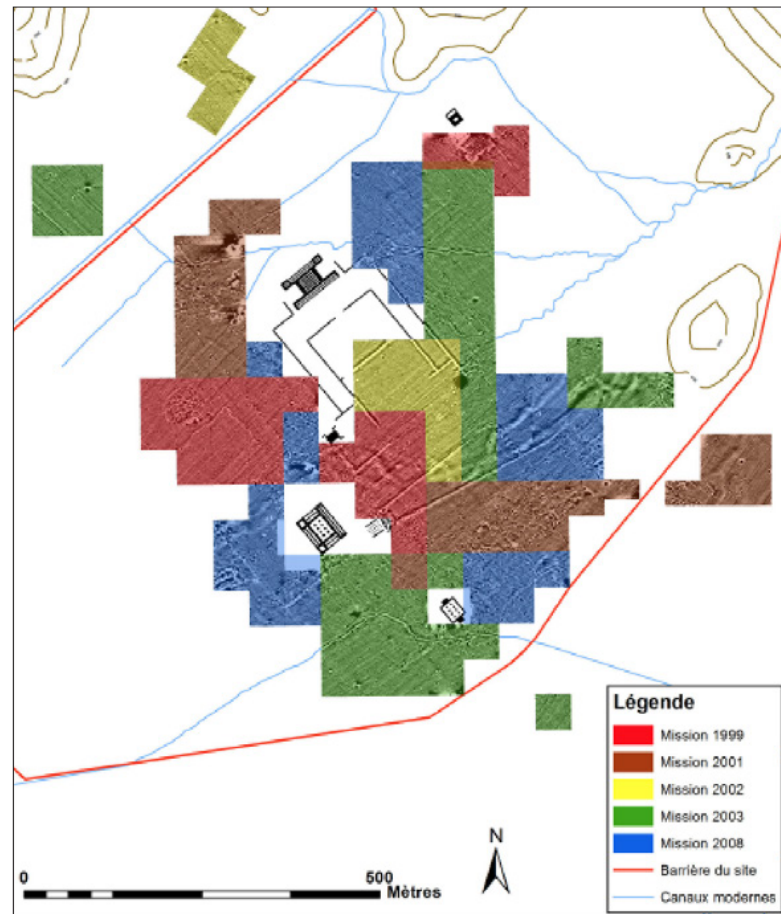
روایت‌های تاریخی بر وجود باغی وسیع پیرامون آرامگاه کوروش و بناهای دیگر مجموعه صحه می‌گذارند اما اینکه این باغ (یا باغ‌ها) چه اندازه با شکوه و شگفت‌انگیز بوده محل تأمل است. بنابراین «وجود باغ» را می‌توان قطعی پنداشت اما چگونگی آن را باید در اسناد باستان‌شناسی جستجو کرد.

- فقدان بناهای کالبدی متعدد و گسترده در اسناد باستان‌شناسی:

یافته‌های باستان‌شناسی در محوطه پاسارگاد، شامل بناهای متنوعی است که در دشت پراکنده شده‌اند. عناصر شاخص مربوط به دوره هخامنشی شامل چند کاخ (یا غرفه)، یک دروازه، دو مقبره، آثار یک معبد یا قربانگاه و جوی‌های آب و یک پل است. این آثار در خلال کاوش‌هایی که طی چند مرحله



تصویر ۳: تحلیل تصاویر ژئومغناطیس به شناسایی مسیرها، کانال آب و جوی‌های احتمالی کمک می‌کند.
مأخذ: Benech et al, ۲۰۱۲



تصویر ۲: تصاویر ژئومغناطیس از محوطه پاسارگاد: این تصاویر لایه‌های پنهان ساختار پاسارگاد و آثار درون آن را ارائه می‌کند.
مأخذ: Benech et al, ۲۰۱۲

فارغ از گزارش‌های متأخر هیئت فرانسوی، برخی از مهم‌ترین گزاره‌هایی که در یافته‌های باستان‌شناسی از ابتدای تحقیق بر روی این محوطه موجود است و به «باغ شاهی» و یا «مجموعه باغ‌های پاسارگاد» اشاره شده، به شرح زیر است:

- «هرتسفلد»^۴ معتقد است: امتداد مشترک بعضی خطوط کوچک که نشانه دیواره و جاده و همچنین آثار موجود مجاری آب می‌رساند که این محل وسیع را باغ مشجری شبیه باغ‌هایی که سارگن آشوری شرح داده و یا شبیه حدائق معلقه که بخت‌النصر در بابل به شیوه مادی‌ها احداث نموده بود احاطه می‌کرده است (سامی، ۱۳۵۰: ۱۹۹).

- در جایی دیگر هرتسفلد خاطر نشان می‌کند که: «چنین مکانی را نمی‌توان شهر نام گذارد، زیرا بیشتر به مقر و منزل‌گاه چادرنشینان شباهت دارد و گویا همین‌طور هم بوده است. محل دیگری شبیه به پاسارگاد و لیکن جدیدتر در بین‌النهرین بود که به زبان عربی حضرا خوانده شده و متعلق به قرن اول پیش از میلاد است» (همان: ۲۰۰).

- «بریان» درباره وجود یک باغ گسترده که محیط بر بناها بوده معتقد است کاوش‌های انجام شده در این مکان نشان داده‌اند که باغ، پیرامون همه بناهای پاسارگاد احداث شده بود و همه بناها به باغ مشرف بوده‌اند. در پاسارگاد «باغی سلطنتی» کشف شده

و حدود ۵۰ سال به طول انجامید به‌دست آمده است. آخرین گزارش مفصلی که سایر تحقیقات و کاوش‌های پیش از خود را نیز گردآوری کرده است مربوط به «دیوید استروناخ» است که تحقیقات جامعی را بر روی محوطه پاسارگاد انجام داده است.

متأخرترین پژوهش‌های باستان‌شناسی مربوط به هیئت تحقیقاتی دانشگاه لیون فرانسه است که طی چند فصل کاوش در بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۵ میلادی صورت گرفت. مهم‌ترین یافته‌های این هیئت مبتنی بر تصاویر ژئومغناطیس است که از بخش‌هایی میانی محوطه پاسارگاد تهیه شده است. تحقیقات این گروه نکات تازه‌ای را در خصوص بناها، جوی‌های آب و یک سد احتمالی در تنگ بولاغی آشکار ساخت. البته تصاویر تهیه شده تنها بخش‌هایی محدود از محوطه را در برمی‌گیرد اما لایه جدیدی از ساختار فضایی محوطه پاسارگاد را نمایان سازد (تصویر ۲).

- سنت باغسازی و منظرپردازی ایرانی

برخی از سنت‌هایی که امروزه نیز در باغسازی ایران دیده می‌شود ریشه در باغ‌های تاریخی و به عبارت بهتر ریشه در الگوهای اولیه دارد. از این سنت‌ها می‌توان به چشم‌انداز بیکران، حضور آب، تنوع فضایی، هندسه راست‌گوشه، ایوان گسترده که رو به منظره‌ای دلپذیر دارد، یک محور اصلی در باغ، تقسیمات شطرنجی، استقرار کوشک (یا کوشک‌ها) در راستای محورهای باغ و تأکید بر آن اشاره کرد (منصوری، ۱۳۸۴: ۶۲).

اگر این سنت‌ها در باغ‌های تاریخی به طور متناوب تکرار شده است بنابراین می‌توان استنباط کرد که در مجموعه باغ‌های پاسارگاد نیز باید شاهد رعایت این معیارها باشیم. بنابراین در این تحقیق، در مواجهه با آثار باقی مانده در پاسارگاد باید به دنبال علل استقرار، جهت‌گیری و تحلیل دید و منظر بناهای برجای مانده بود.

به عنوان مثال ایوان‌های کاخ‌های پاسارگاد باید رو به باغی بوده و یا بناهای مهم در راستای محور اصلی باغ استقرار داشته باشند. همچنین وجود یک هندسه شطرنجی (یا محورهایی عمود بر هم) در کل مجموعه، دور از انتظار نیست. با این پیش‌فرض اکنون به تحلیل دوباره کاخ‌ها، مقابر، جوی‌های آب و سایر بناها می‌توان پرداخت.

سنت‌های منظرپردازی مورد انتظار در ساختار پاسارگاد شامل وجود محور (یا محورهای) اصلی، وجود تقارن، ایجاد توالی و تکرار و نهایتاً وجود یک نقطه عطف در محوطه است.

در جستجوی محورهای بصری/عملکردی در پاسارگاد چنانچه ارتباط بصری و عملکردی اجزای برجامانده در دشت پاسارگاد با یکدیگر بررسی و تحلیل گردد به ساختار منظم و دقیقی دست خواهیم یافت که احتمالاً باغ‌های پاسارگاد و بناهای موجود، تابع این ساختار بوده‌اند.

بی‌تردید، محور در باغ ایرانی نقشی کلیدی دارد و در نمونه‌های تاریخی این ویژگی کمابیش وجود داشته است لذا در مجموعه پاسارگاد نیز باید به دنبال محور یا محورهایی بود که نقش استخوان‌بندی مجموعه را ایفا می‌کنند.

در صورتی که چنین محورهایی وجود داشته باشد، باید در رابطه‌ای هماهنگ با درهای کاخ اختصاصی و بارعام، غرفه‌ها، دروازه R، مقبره کوروش، تل تخت و باغ شاهی باشد. چنانچه راستای هر یک از این عناصر را ترسیم کنیم، به رابطه معناداری بین ورودی تل تخت با باغ شاهی و مقبره کوروش پی می‌بریم که

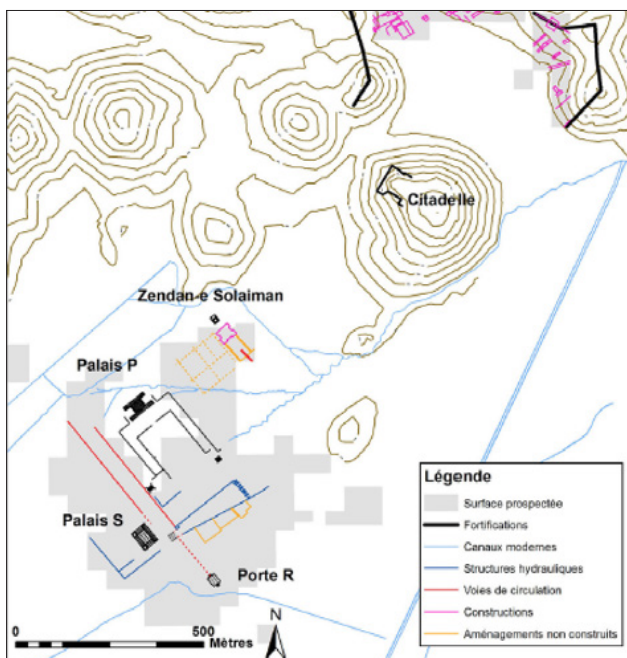
است که با نهرهایی با بستر سنگی آبیاری می‌شد و آبگیرهایی که رود «پلوار» به آن‌ها می‌ریخت، در گله به گله آن می‌درخشید. این رود دشت را مشروب می‌کرد (بریان، ۱۳۸۱: ۱۳۳). تردیدی نیست که طرح‌های اولیه این باغ‌ها حتی اگر در زمان داریوش تکمیل و در طی دوره هخامنشی به دقت اجرا شده باشند در دوران کوروش تهیه شده است.

- «سامی» که خود تحقیقات ۵ ساله‌ای را در محوطه پاسارگاد انجام داده است اعتقاد دارد که: «کاخ‌های شاهی پاسارگاد در میان باغ و انبوه درختان قرار داشته است. وجود آب فراوان و چشمه‌سارها در این جلگه‌ها مؤید این نظریه است. در خلال کاوش‌ها چند رشته جدول سنگی که به طرز جالب و منظمی از سنگ سفید بین دو کاخ کشیده شده و در زیر زمین‌های زراعتی پنهان مانده بودند، که نمودار ظرافت و سلیقه عالی سازندگان آن است، کشف شد. این آب‌نماها به طوری که از نتیجه کاوش‌ها استنباط گردید بیش از اینها بوده و در تمام صفحات جلگه و اطراف کاخ‌ها امتداد داشته است.» (سامی، ۱۳۵۰: ۱۴۶). متأسفانه «سامی» این فرصت را پیدا نکرد که به کاوش‌های خود ادامه دهد و تنها بخشی از آب‌نماهای سنگی را از خاک بیرون آورد.

- استروناخ درباره انگیزه شکل‌گیری باغ‌های پاسارگاد می‌گوید: «به زبان دیگر کوروش نمی‌خواست یک بخش تکمیلی را به کاخ بارعام خود الحاق کند، بلکه ساختار چشمگیرتری را در نظر داشت: یک کوشک بزرگ در رابطه‌ای تنگاتنگ با باغ سلطنتی همجوار آن.» (استروناخ، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

- کاخ‌های کوروش با ویژگی جدید در معماری چهارنمایی خود، به عنوان ساختارهایی با چشم‌انداز باز و گشوده طراحی شده بودند. این بناها دیدی گسترده از تمامی جهات داشته و باغ‌های بزرگی اطراف آن‌ها را احاطه کرده بود. شواهد موجود نشان می‌دهد که در حقیقت هر کاخ در شکوه ایوان‌های ستون‌دار پرسایه و عمیق خود در نگاه نخست در میان انبوه درختان، باغچه‌ها و چمن‌زارها دیده می‌شده است (همان: ۱۵۶).

با توجه به گزاره‌های فوق که حاصل تحقیقات باستان‌شناسی است، حذف‌های بناهای کالبدی موجود در پاسارگاد احتمالاً باغی وسیع وجود داشته است. تصاویر ژئومغناطیس نیز شاهی بر این مدعاست. به علاوه، از این تصاویر می‌توان ردپای جوی‌های آب و کانال را شناسایی کرد که به درک بهتر ساختار مجموعه کمک می‌کند (تصویر ۳).



تصویر ۷: آخرین یافته‌های باستانشناسی توسط هیئت فرانسوی حاکی از وجود محورهایی است که بناها را با یکدیگر پیوند می‌دهد. مأخذ: Benech et al, 2012.

حاکی از آن است که محور باغ شاهی دقیقاً در راستای محوری است که از ورودی تل تخت تا مقبره کوروش ترسیم می‌شود (تصویر ۴).

در ادامه می‌توان محورهای عمودی و افقی سایر بناهای موجود را نیز ترسیم کرد. فاصله دقیق و تناسبانی که میان برخی از این محورها مشاهده می‌شود، قطعاً اتفاقی نیست و از کنار هم گذاشتن آن‌ها می‌توان به هندسه‌ای هماهنگ دست یافت که بخش عمده‌ای از ساختار باغ‌های پاسارگاد را آشکار می‌کند.

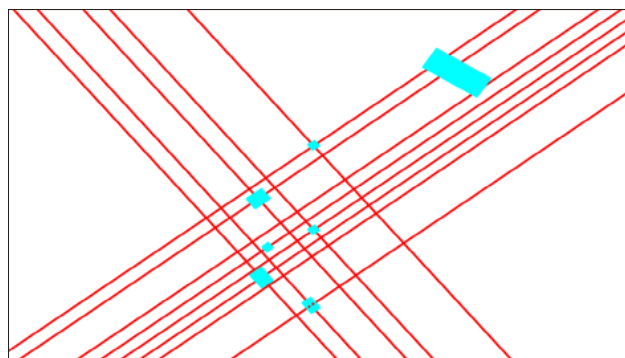
تقارن، تکرار و نقطه عطف

اگر ایده تقارن و تکرار را در خصوص این تناسبات صادق بدانیم و نسبت‌های بدست آمده، بصورت قرینه تکرار شود آنگاه محوطه پاسارگاد شامل یک شبکه شطرنجی است که محورهای این شبکه منطبق با بازشوهای کاخ‌ها، راستای معابر و آکس اصلی باغ شاهی است. به این ترتیب، در مقیاس کلان شاهد نظمی کلی خواهیم بود که تمامی اجزاء در جانمایی از این الگو تبعیت می‌کنند (تصاویر ۵ و ۶).

از سوی دیگر مقبره کوروش را می‌توان به عنوان نقطه عطف این ساختار در نظر گرفت. بنابراین محور اصلی پاسارگاد احتمالاً باید به مقبره کوروش منتهی شود.



تصویر ۴: محور شمال شرقی به جنوب غربی دقیقاً از ورودی کاخ مستقر بر تل تخت آغاز می‌شود و پس از عبور از محور باغ شاهی به مقبره کوروش می‌رسد. مأخذ: مهربانی، ۱۳۹۱.



تصویر ۵: ترسیم محورهای آثار موجود، نشان‌دهنده نوعی تکرار و تقارن است که ظاهراً در کل مجموعه بسط یافته است. مأخذ: مهربانی، ۱۳۹۱.



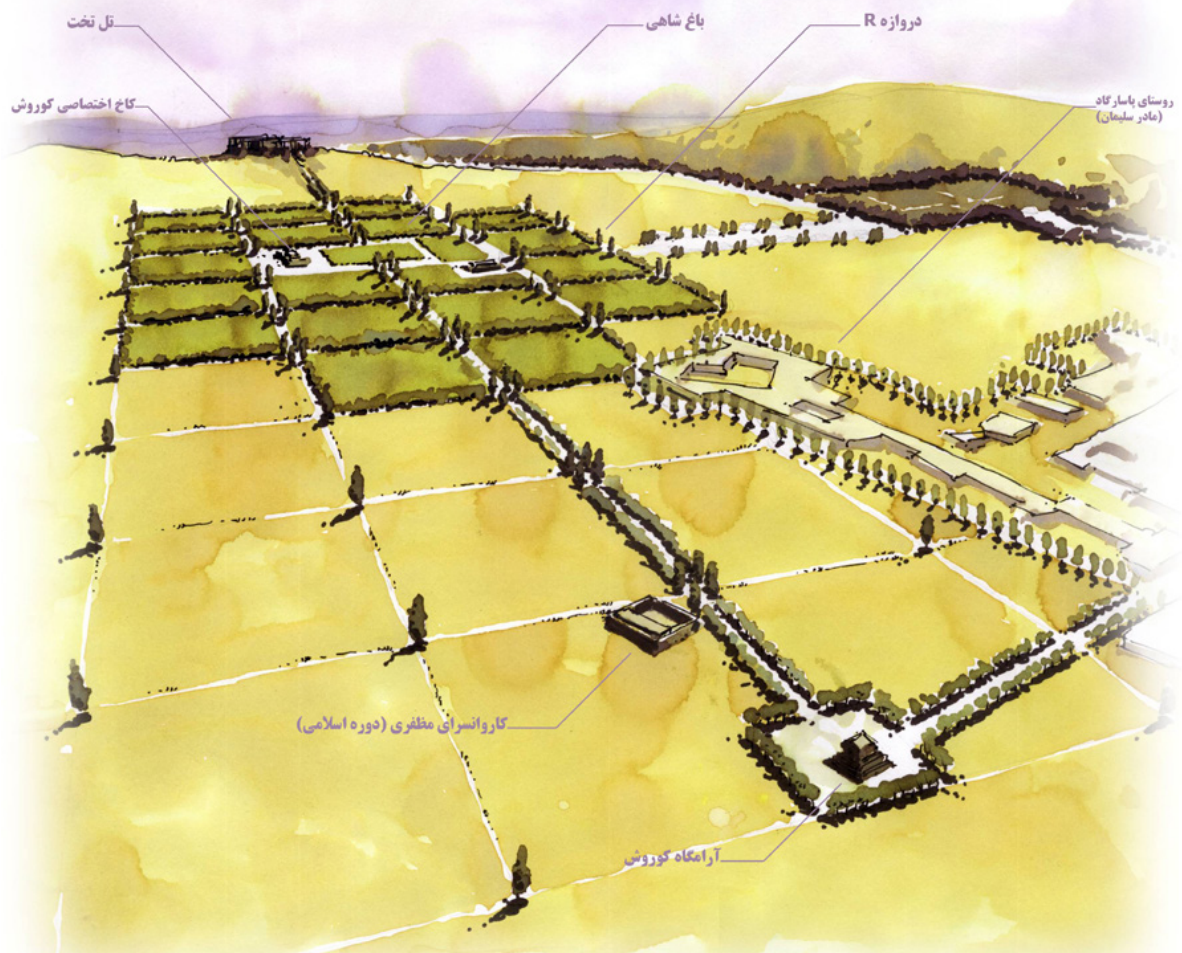
تصویر ۶: از بسط هندسه حاکم بر باغ شاهی و تکرار آن می‌توان به یک ساختار کلی دست یافت که مقبره کوروش در یک سوی آن و تل تخت در سوی دیگر آن است. باغ شاهی در میانه این مجموعه واقع شده است. مأخذ: مهربانی، ۱۳۹۱.

تطابق دقیقی دارند. دروازه R و پلی که اکنون بخشی از آن باقی مانده کاملاً در این هندسه جای گرفته‌اند و خوانایی مجموعه به صورت فوق‌العاده‌ای افزایش یافته است. از نظر «استقرار در هندسه ارائه شده» همه بناها (به جز آثار دوره اسلامی) در تطابق کامل با نظم ارائه شده هستند (تصویر ۷).

از نظر «جهت‌گیری»، دو بنا با سایر عناصر متفاوت هستند، یکی عمارت تل تخت است که استقرار آن بر تپه می‌تواند توجیه چرخش آن نسبت به هندسه اولیه باشد اما بنای دوم که از نظر جهت‌گیری با سایر بناها منطبق نیست آرامگاه کوروش است. جز این دو مورد، باقی بناها در جهت‌گیری با یکدیگر سازگاری دارند.

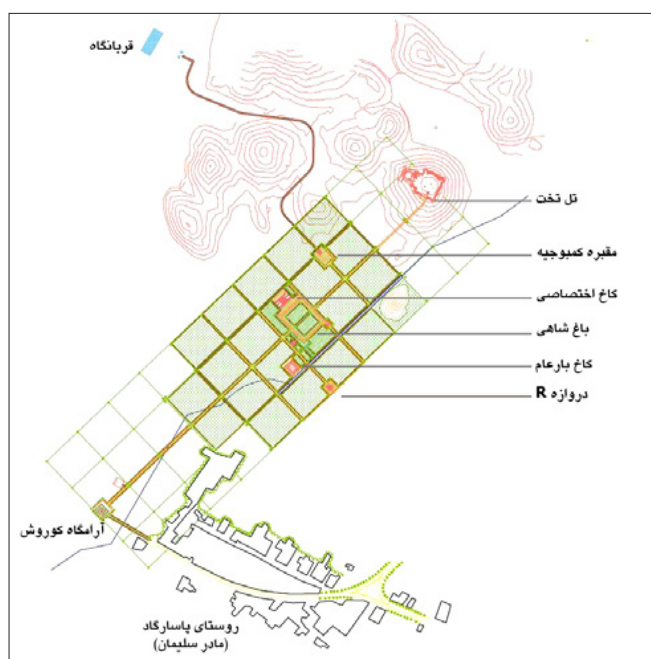
این نظم هندسی تا حدود زیادی گره از معماری رابطه بناها در درون محوطه پاسارگاد می‌گشاید. در چنین حالتی می‌توان برای پاسارگاد یک طرح کلی ارائه کرد که همه بناها در باغی وسیع استقرار داشته و براساس یک الگوی هندسی راست گوشه جانمایی شده بودند.

ساختار احتمالی مجموعه پاسارگاد به عنوان باغشهر در طرح ارائه شده در این پژوهش، مقبره کوروش در یک سر باغ و عمارت تل تخت در سوی دیگر آن واقع شده است. باغ اختصاصی و کوشک‌ها در میانه باغ قرار گرفته و محورها با بناهای موجود



تصویر ۸: بازآفرینی مجموعه حکومتی-آیینی پاسارگاد. مأخذ: مهریانی، ۱۳۹۱.

بنابراین پاسارگاد به عنوان پایتخت هخامنشیان در واقع یک باغ وسیع است که کاخ‌ها و بناها در آن استقرار یافته‌اند. هرچند به سختی می‌توان این مجموعه را یک شهر نامید و در واقع یک مجموعه سکونتگاهی، حکومتی-آیینی است، اما اگر پاسارگاد مصداق یک شهر هخامنشی باشد با توجه به نسبت باغ به بناهای کالبدی، می‌توان این مجموعه را یک «باغشهر هخامنشی» در نظر گرفت که الگوهای به کار رفته در آن بعدها در منظره‌پردازی ایرانی تکرار و بازآفرینی شده است (تصاویر ۸ و ۹).



نتیجه‌گیری | علت استقرار و چیدمان بناها و آثار به‌جامانده در محوطه پاسارگاد همه چیز می‌تواند باشد مگر تصادفی و اتفاقی. راستای مقبره کوروش با باغ شاهی و ورودی تل تخت، محور اصلی باغ را تعریف می‌کند. به همین ترتیب محور هم‌راستا با دروازه R و سایر محورهای حرکتی که فاصله یکسانی از یکدیگر دارند در مجموع ساختار شطرنجی محوطه را شکل می‌دهند. وجود هندسه منظم در باغ شاهی (اختصاصی) و در مقیاس کلان در باغ‌های پیرامون کاخ‌ها، تبدیل به الگویی شده است که بعدها در دوره ساسانی و پس از اسلام شاهد تکامل آن هستیم.

تصویر ۹: ساختار پیشنهادی برای محوطه پاسارگاد رابطه همه اجزاء موجود را تعریف می‌کند.
مأخذ: نگارنده.

پی‌نوشت

Herzfeld -۴

Aristobulus -۳

Strabo -۲

Xenophon -۱

فهرست منابع

- فصلنامه علمی- پژوهشی باغ نظر، ۲(۳): ۵۸ - ۶۳.
- مهربانی گلزار، محمدرضا. (۱۳۸۶). *سالم‌اندھی واحیا* مجموعه باغ‌های پاسارگاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- مهربانی گلزار، محمدرضا. (۱۳۹۱). تفسیر منظرین: رمزگشایی از محوطه‌های تاریخی. *مجله منظر*، ۴(۲۰): ۶-۱۰.
- Benech C., Gondet S., Boucharlat R. (2012). Organisation et aménagement de l'espace à Pasargades : Reconnaissances archéologiques de surface, 2003-2008, ARTA, http://www.achemenet.com/document/2012.003-Benech_Boucharlat_Gondet.pdf.
- Boucharlat, R. (2014) Archaeological Approaches and Their Future Directions in Pasargadae, in A. Mozaffari ed., *World Heritage in Iran, Perspectives on Pasargadae*, Ashgate, Farnham: 29-59.

- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). *پاسارگاد*. ترجمه: حمید خطیب شهیدی. چاپ اول. تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- بریان، پیر (۱۳۸۱). *امپراتوری هخامنشی*. ترجمه: ناهید فروغان. چاپ اول. تهران: نشر قطره.
- بوشارلا، رمی. (۱۳۸۲). *گزارش مقدماتی هیات مشترک فرانسه-ایران*. ترجمه: بنیاد پارسه. شیراز: میراث فرهنگی و گردشگری فارس.
- سامی، علی. (۱۳۴۱). *تمدن هخامنشی*. شیراز: انتشارات دانشگاه پهلوی.
- سامی، علی. (۱۳۵۰). *پارس‌کده*. شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس مجاب.
- سرفراز، علی اکبر. (۱۳۸۱). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی*. تهران: عفاف.
- شهیازی، شاپور. (۱۳۷۹). *راهنمای جامع پاسارگاد*. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- منصور، سید امیر (۱۳۸۴). درآمدی بر زیبایی‌شناسی باغ ایرانی.